



Imam Sadiq^(pbuh) University



<https://qhs.isu.ac.ir>

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies
Vol. 18, No. 2, (Serial. 36), Summer 2025

10.30497/qhs.2025.246312.3959

Research Paper

The Hadith "The Transformation of the Believer's Heart Between the Fingers of God" in Problem Solving Approaches from the Perspective of the Traditionists

Pouran Mirzaei *

Received: 15/05/2024

Accepted: 28/10/2024

Abstract

The placement of the believer's heart between two fingers of the Almighty God is one of the narrations of the problem of the parties in the attributes of the essence, which, in addition to its physical appearance, clearly indicates the number and composition. Since God Almighty is one of such interpretations, how to adapt these news to monotheistic beliefs is a problem that has focused the efforts of the Traditionists thinkers. The present research, using a descriptive-analytical method, tries to depict the ways out of the problem by comparing and extracting the family of hadiths with the same theme, drawing the network of Asanids and analyzing the documents in layers, as well as the typology of narrations and explanations of different scholars. The result of this effort is to explain the approaches to solving the five types of transmission of this narration and also to show the occurrence of errors in the pen of scholars, from attribution of hadith to excess, deficiency, etc. Contrary to popular belief, the origin of this narration in the Imamiyyah is one of the words of *Ṣadūq*, and the number of its narrations is only attributed to Sunnis. What the parties agree on is the brief implication of the meaning that is taken from the *Du'ā' Gharīq*. The strength of the Chains, which is revealed by the drawing of the asanid network of hadiths and the detailed examination of the transmission methods, prevents the acceptance of documentary criticism and the denialist approach. Also, despite the common opinion of hadith supporters who consider interpretation to be "God's dominion and power over hearts" as the main meaning of hadith, it should be said that although from the point of view of most scholars, interpretation is the only solution to the problem, but the approach of acceptance and denial along with seven different meanings in the interpretation approach in Scholars' pen evokes a meaning beyond mastery and power in the mind.

Keywords: *fingers of God, The interpretation of the heart, Difficult Hadith, Solving approaches of the Difficult Hadith.*

© The Author(s) 2025.

* Associate Professor, Hadith Department, Faculty of Hadith Sciences and Education, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran. (mirzaee785@gmail.com)



OPEN ACCESS



دانشگاه امام صادق



<https://qhs.isu.ac.ir>

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۸، شماره ۲، پیاپی ۳۶

بهار و تابستان ۱۴۰۴، صص ۱۱۹-۱۳۹

doi 10.30497/qhs.2025.246312.3959

مقاله پژوهشی

حدیث «دگرگونی قلب مؤمن میان انگشتان خداوند» در رهیافت‌های حل مشکل از منظر محدثان

پوران میرزائی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۶ روز نزد نویسنده بوده است.

چکیده

میان روایات اعتقادی، احادیثی به چشم می‌خورند که از یک سو، اخذ معنای ظاهری آنها با باورهای شیعی و عقلی در تعارض است و از دیگر سو، اعتبارشان مانع می‌شود که آنها را به راحتی کنار گذارد. قرار داشتن قلب مؤمن در میان دو انگشت از انگشتان خداوند متعال، از این دست روایات است که علاوه بر ظاهری تجسیم‌گونه، با صراحت بر عدد و ترکیب دلالت می‌کند. از آنجا که خداوند سبحان، از چنین تعبیری منزّه است، چگونگی انطباق این اخبار با باورهای توحیدی، مسئله‌ای است که همت اندیشوران را به خود معطوف داشته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی سعی دارد با تحلیل گونه‌های نقل، رهیافت‌های خروج از مشکل در این روایت را به تصویر بکشد. ثمره این تلاش، تبیین رویکردهای حلی در پنج گونه نقل و نیز نمایان‌سازی رخداد خطا در قلم عالمان، از انتساب حدیث گرفته تا زیادت، نقصان و غیره است. بر خلاف تصور رایج، اصل این روایت در امامیه، از مفردات صدوق است و کثرت نقل آن صرفاً به منقولات اهل سنت بازمی‌گردد و آنچه متفق فریقین است دلالت اجمالی معناست که از دعای غریقی برداشت می‌شود. قوت اسناد که مکشوف از ترسیم شبکه اسانید روایات و بررسی درایه‌ای طرق نقل است، مانع از پذیرش نقد سندی و رویکرد انکاری است. همچنین به رغم تصور رایج موافقان حدیث که تأویل به «تسلط و قدرت خداوند بر قلوب» را معنای اصلی حدیث می‌دانند، تحلیل بیش از هفت وجه معنایی مختلف در رویکرد تأویلی، معنایی فراتر از «تسلط و قدرت» را در ذهن تداعی می‌کند.

واژگان کلیدی: انگشتان خداوند، تصریف قلوب، مشکل الحدیث، راهکار حل احادیث مشکل.

* دانشیار گروه حدیث، دانشکده علوم و معارف حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران: ایران. (mirzaee785@gmail.com)

طرح مسئله

میان روایات اعتقادی، احادیثی به چشم می‌خورند که از یک سو، صراحت در جسمانیت و یا تشبیه به حدی در ظاهر آنها مشهود است که نمی‌توان با نگاهی تسامح‌گرایانه از عبارات آنها چشم پوشید و اخذ معنای ظاهری آنها نیز با باورهای شیعی در تعارض است و غیر عقلی به نظر می‌رسد. از سویی دیگر، کثرت نقل، اعتبار منابع و یا ناقلان آنها و... سبب شده تا نتوان آنها را به راحتی کنار گزارد؛ زیرا صرف وجود تعبیری که بعضاً مشابه آن در قرآن نیز به کار رفته، نمی‌تواند دلیل محکمی بر مردودیت یک محتوای روایی باشد. قرار داشتن قلب مؤمن در میان دو انگشت از انگشتان خداوند متعال، از جمله این روایات بحث‌برانگیز در حوزه صفات ذات است که کانون توجه عالمانی با طیف فکری گسترده اعم از فلاسفه، مفسران، عرفا، محدثان، متکلمان و ... قرار گرفته است. روایت مذکور در عین اینکه ظاهری تجسیم‌گونه دارد با تصریح بر وجود دو انگشت از انگشتان خداوند متعال علاوه بر تجسیم، بر تعداد و ترکیب نیز دلالت می‌کند و از آنجا که خداوند سبحان از چنین تعبیری منزّه است، تأویل این اخبار مطابق با باورهای توحیدی، همت اندیشوران فریقین را به خود جلب کرده است. (سید مرتضی، ۱۳۲۵، ج ۲، ص ۲ - ۶). اینکه مراد از «تقلیب قلوب توسط انگشت خدا چیست؟» و «چگونه می‌توان بحث عدد و ترکیب یاد شده در متن روایت را متناسب با باورهای مذهبی معنا کرد؟» از مسائلی است که پژوهش حاضر در پی تبیین و تصویرگری آن در قلم فریقین است.

پیشینه و روش تحقیق

عالمان علوم اسلامی گاه در آثار خود به صورت عام به مضمون روایی تصریف قلب مومنان در میان انگشتان خداوند پرداخته‌اند، اما تنها یک مقاله پژوهشی تحت عنوان «بررسی سندی و دلالتی حدیث قلب مومن بین اصبعین...» (گلمکانی و دلبری، ۱۴۰۱) به صورت متمرکز به حدیث مذکور پرداخته است. در این مقاله همت مولفان بر نقد سندی و نیز اثبات معنای رایج تأویل بر تسلط و قدرت خداوند از قِبل مفهوم‌شناسی واژگانی است؛ حال آنکه مقاله حاضر با ترسیم شبکه اسانید طرق فریقین نشان می‌دهد، نقد سندی روایت، پیش از اینکه نیازمند بررسی اعتبار احوال تک تک روایات باشد از قِبل تحلیل‌های دانش درایه، رد می‌شود. همچنین با روش توصیفی - تحلیلی، پس از تشکیل خانواده احادیث هم‌مضمون، گونه‌شناسی نقل و تکیه بر قرائن متصل و منفصل، به تشریح رویکردها و وجوه معناهایی فراتر از معنای «تسلط و قدرت» دست‌یافته است. روشی که در مقاله گلمکانی و دلبری به کار نرفته و منجر به نگرشی صرفاً تأویل محور در دفاع از حدیث شده است.

۱. تحلیل گونه‌های نقل روایت

در منابع اهل سنت از پیامبر اکرم (ص) منقول است که می‌فرمایند: قلب مومن در میان دو انگشت از انگشتان خداوند قرار دارد به گونه‌ای که هرگاه و به هر نحو که بخواید آن را دگرگون می‌سازد: «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللَّهِ، يُقَلِّبُهُ كَيْفَ شَاءَ» (ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳، ص ۹۹). این عبارت که می‌توان آن را در پنج گونه نقل گنجاند، برخاسته از دعایی معروف به دعای «تثبیت قلب» است که گفته شده پیامبر اکرم (ص) بسیار آن را زمزمه می‌کردند: «قَلْبُ ابْنِ آدَمَ عَلَى إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ الْجَبَّارِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا شَاءَ أَنْ يُقَلِّبَهُ قَلْبُهُ فَكَانَ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ يَا مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۸ و ۱۷۳؛ نيسابوری، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۱).

گونه‌های مختلف نقل این روایت، در عین اینکه هم‌مضمون هستند اما تفاوت‌های اندکی با هم دارند. در برخی علاوه بر محتوای فوق، به این نکته نیز اشاره شده که خواست خداوند موجب انحراف و یا هدایت قلب می‌شود و نیز «میزان» و اختیار دگرگونی قلب (بالا و پایین بردنش) در دست اوست. در این نقل که با دعای مشهور «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قُلُوبَنَا» آمیخته است آمده: «مَا مِنْ قَلْبٍ إِلَّا وَهُوَ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَنْ شَاءَ أَنْ يُقِيمَهُ أَقَامَهُ وَأَنْ شَاءَ أَنْ يُزَيِّعَهُ أَزَاعَهُ وَكَانَ يَقُولُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قُلُوبَنَا عَلَى دِينِكَ وَالْمِيزَانَ بِيَدِ الرَّحْمَنِ عَزَّ وَجَلَّ يَخْفِضُهُ وَ يَرْفَعُهُ» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۸۲؛ ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۲؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۸۳ و ۴۷۵؛ نيسابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۵).

برخی گونه‌های نقل، با تکیه بر سبب صدور حدیث بیان می‌دارند، به دلیل اینکه پیامبر (ص) بسیار دعای یا مقلب القلوب را بر زبان جاری می‌کردند، اصحاب در پی آن برآمدند که دلیل این تکرار را جویا شوند و حضرت دلیل را، تصریف قلب انسان در میان دو انگشت از انگشتان خداوند متعال بیان داشتند: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُكْثِرُ أَنْ يَقُولَ: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ قَالَ: فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ آمَنَّا بِكَ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ فَهَلْ تَخَافُ عَلَيْنَا؟ قَالَ: فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ الْقُلُوبَ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَقْلِبُهَا» (ابن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۷۵۵ - ۷۵۶). برخی محدثان اهل سنت، همین سبب صدور را یکبار در قالب، پرسش ابن حوشب از ام سلمه درباره بیشترین دعایی که پیامبر (ص) می‌خواندند نقل می‌کنند: «يَا أُمُّ الْمُؤْمِنِينَ! مَا كَانَ أَكْثَرَ دَعَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ، قَالَتْ: أَكْثَرَ دَعَائِهِ: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ، ثُمَّ قَالَ: يَا أُمُّ سَلَمَةَ! إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ آدَمِي إِلَّا وَقَلْبُهُ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللَّهِ، مَا شَاءَ أَقَامَ وَمَا شَاءَ أَزَاعَ» (ابن ابی شيبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۸)؛ و باری دیگر، آن را سوال عایشه از پیامبر (ص) برشمرده‌اند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّكَ تَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ، قَالَ: يَا عَائِشَةُ! أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْقُلُوبَ أَوْ قَالَ: قَلْبُ

بَنِي آدَمَ بَيْنَ إِصْبَعِي اللَّهِ، إِذَا شَاءَ أَنْ يُقَلِّبَهُ إِلَى هَدْيِ قَلْبِهِ، وَإِذَا شَاءَ أَنْ يُقَلِّبَهُ إِلَى ضَلَالَةٍ قَلْبِهِ» (ابن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۷۵۵ - ۷۵۶؛ ابن حنبل، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۲ و ج ۶، ص ۹۱ و ص ۳۰۱ - ۳۰۲؛ ابن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۸؛ ابن ماجه، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۶۰؛ ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۰۴ و ج ۵، ص ۱۹۹؛ طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۲۵ - ۲۲۶).

در برخی نقل‌ها این روایت با زیادت، نقصان و یا نقل معنا گزارش شده است. برای مثال گاه راوی، کسی که از پیامبر (ص) درباره چرایی کثرت دعا سوال می‌کند را نمی‌شناسد یا در خاطر ندارد. از این رو با «فقیل له» صرفاً سوالش را گزارش می‌کند (ابن حنبل، بی تا، ج ۶، ص ۲۵۰ - ۲۵۱). البته راویان طبقات بعدی همچون «عفان» (۴) طبقه بعدتر)، فاعل فعل مجهول را، «عایشه» معرفی می‌کنند: «... فقیل له یا رسول الله قال عفان فقلت له عائشه ...» که به قرینه چهار طریق دیگر این حدیث در اهل سنت که همه به سوال «عایشه» اشاره دارند، حدس و تصحیح «عفان»، مقرون به قرینه می‌نماید. (ر.ک: پیوست جدول)

عمده گزارش‌های این محتوای روایی در منابع اهل سنت ذکر شده و نقل شیعی تنها یک طریق و یک منبع دارد که به نقل از امام باقر (ع) می‌گوید: اگر فردی، انسانی را روزی له و روزی علیه خود (دوست و دشمن خود) دید، بجز خیر چیزی نگوید و از او برائت نجوید؛ چرا که قلب انسان میان دو انگشت از انگشتان خداوند متعال است و در هر زمان آنگونه که بخواهد آن را دگرگون خواهد کرد و چه بسا بنده بر انجام خیر موفق گردد: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى يَمِينِكَ عَلَى رَأْيٍ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ فَلَا تَقُلْ إِلَّا خَيْرًا وَلَا تَبَرَّأْ مِنْهُ حَتَّى تَسْمَعَ مِنْهُ مَا سَمِعْتَ وَهُوَ عَلَى يَمِينِكَ فَإِنَّ الْقُلُوبَ بَيْنَ إِصْبَعَيْنِ مِنْ أَصَابِعِ اللَّهِ يَقْلِبُهَا كَيْفَ يَشَاءُ سَاعَةً كَذَا وَ سَاعَةً كَذَا وَإِنَّ الْعَبْدَ رَبِّمَا وَفَقَّ لِلْخَيْرِ» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۰۴ - ۶۰۵).

پس از صدوق، سید مرتضی به نقل از اهل سنت روایت را گزارش کرده و در مقام تأویل و تحلیل محتوای آن برآمده است. از این رو، نمی‌توان آن را نقلی شیعی محسوب کرد (سید مرتضی، ۱۳۲۵، ج ۱، ص: ۳۱۸). نکته قابل تأمل آنکه، اگرچه حدیثی که به دگرگونی قلب انسان در میان انگشتان خدا دلالت دارد در امامیه، از نقل‌های مفرد صدوق است اما «دعای تثبت قلب» که در ضمن روایت در منابع اهل سنت بدان اشاره شد، از متون پرتکرار در منابع شیعی با نقل‌های مختلف است و به «دعای غریق» یا «دعای افتقار» معروف است.

عبد الله بن سنان به نقل از امام صادق (ع) بیان می‌دارد: بزودی در شبهه‌ای خواهید افتاد و بدون نشانه‌ای نمایان و امامی رهنما خواهید ماند. از این شبهه‌هایی نمی‌یابد مگر آن کس که دعای غریق را بخواند. عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گویی: «یا الله، یا رحمن، یا رحیم، یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک». من گفتم:

«یا مقلب القلوب و الأبصار، ثبت قلبی علی دینک» و امام فرمود: البته خداوند عزّ و جلّ دگرگون کننده دل‌ها و اندیشه‌هاست اما تو همان بگو که من می‌گویم: «یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک» (صدوق، بی‌تا، ج ۲، ص: ۳۵۲).

حاصل آنکه این روایت هم طریق شیعی و هم طریق سنی دارد اما تشابه و هم‌مضمونی در نقل‌های سنی بیشتر به چشم می‌خورد و نقل شیعی گزارش دومی از این روایت محسوب می‌شود که تنها در همان عبارت «فان القلوب بین إصبعين من أصابع الله يقلبها كيف يشاء» با گزارش سنی، مشترک است. منابع سنی، حدیث را بیشتر به شکل سیره دعایی و عملکرد پیامبر (ص) نقل کرده‌اند و اضطراب و گوناگونی در گزارش آنها به چشم نمی‌خورد و تنها تفاوت میان آنها پس و پیش شدن برخی عبارات (حدیث مقلوب)، زیادت و نقصان برخی واژگان (حدیث مزید) و یا نقل معناست که هیچ‌یک از این تفاوت‌ها در اصل معنای واحد روایات، خلل ایجاد نکرده است. این احتمال پررنگ جلوه می‌کند که منشأ اصلی این تفاوت‌ها به صدور چندباره حدیث مذکور، در مواضع گوناگون بازگردد که با گزارش‌های مختلف از هر متن همراه شده و امروزه در منابع به گونه‌های متفاوت از هم در دسترس است.

۲. تحلیل منابع و اسناد حدیث

شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در علل الشرایع (ج ۲، ص ۶۰۴ - ۶۰۵)، تنها نقل شیعی این حدیث را به خود اختصاص داده است؛ اما در اهل سنت تا قرن ۵، عمده منابع معتبر با طرق متعدد از این حدیث یاد کرده‌اند. کهن‌ترین نقل به قرن ۳ و کتاب المسند ابن راهویه (م ۲۳۸ق) بازمی‌گردد (ج ۳، ص ۷۵۵ - ۷۵۶). همچنین کتب المسند احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) (ج ۲، ص ۱۶۸ و ۱۷۳، ج ۳، ص ۱۱۲، ج ۴، ص ۱۸۲، ج ۶، ص ۹۱ و ۲۵۰ - ۲۵۱ و ۳۰۱ - ۳۰۲)، المصنف ابن ابی شیبّه (م ۲۵۳ق) (ج ۷، ص ۲۸)، الصحيح مسلم بن حجاج (م ۲۶۱ه) (ج ۸، ص ۵۱)، السنن ابن ماجه (م ۲۷۳ه) (ج ۱، ص ۷۲ و ج ۲، ص ۱۲۶۰)، السنن ترمذی (م ۲۷۹ق) (ج ۳، ص ۳۰۴ و ج ۵، ص ۱۹۹)، الآحاد و المثانی و کتاب السنه ابن ابی عاصم ضحاک (م ۲۷۸ق) (۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۸۳ و ۴۷۵؛ ۱۴۱۳، ص ۹۹)، مسند الشاميين طبرانی (م ۳۶۰ق) (ج ۲، ص ۲۲۵ - ۲۲۶) و المستدرک حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ق) (ج ۱، ص ۵۲۵ - ۵۲۶، ج ۲، ص ۲۸۸ - ۲۸۹، ج ۴، ص ۳۲۱)، از دیگر منابع ناقل این حدیث‌اند. از این رو قرن ۳ در اهل سنت و قرن ۴ در شیعه، انتهای حد زمانی و خاستگاه مکتوب روایت خواهد بود.

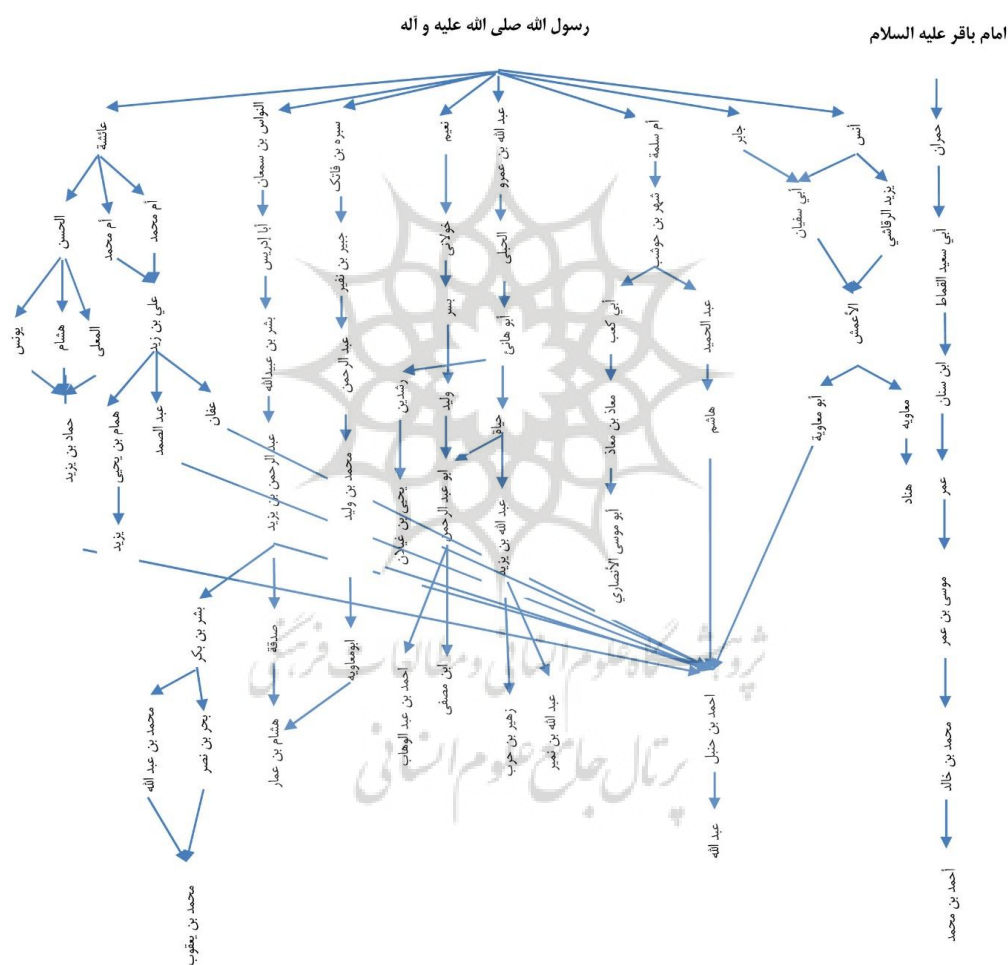
نگاه جمعی به متون و بررسی طرق مختلف، در نقل‌های پرتکرار با طرق کثیر، نگرشی است که تا حدودی پژوهشگر را از بررسی وضعیت رجالی تک‌تک راویان بی‌نیاز می‌سازد؛ زیرا وجود ضعف در یک سند با سند دیگر قابل ترمیم است و تعاضد اسانید موجب تقویت اسناد ضعیف می‌گردد (برای اطلاع بیشتر ر.ک: پسندیده، ۱۳۸۹).

۹۸-۸۷). از این رو در بررسی‌های فقه‌الحديثی مبتنی بر مشابه‌یابی، ترسیم شبکه اسانید موجب کشف ارزیابی درایه‌ای حدیث می‌شود و آن را در یکی از مراتب مفرد، عزیز، مستفیض و مشهور ارزش‌گذاری می‌کند. با توجه به داده‌های شبکه اسانید (نمودار ۱) این روایت با نقل هشت تن از صحابه (ام‌سلمه، جابر، انس، نواس بن سمعان، عبدالله بن عمرو بن عاص، نعیم بن هماز، سمره بن فاتک و عایشه)، از جمله روایات مشهور مطلق در میان اهل سنت است. اما در شیعه از مفردات «حمران» به شمار می‌رود. البته متن دعای تثبیت قلب منسوب به پیامبر (ص)، در شیعه نیز مشهور است.

سید مرتضی این روایت را به نقل از سند اهل سنت از «عبد الله بن عمر» گزارش کرده (۱۳۲۵، ج ۱، ص ۳۱۸) و علامه طباطبایی نیز بیان داشته که این روایت از طرق بسیاری از صحابه اعم از عبد الله بن عمر و ابوهریره روایت شده است (۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۱)؛ متقی هندی نیز روایت مذکور را به نقل از عبد الله بن عمر در مسند احمد بن حنبل با نقل «إن قلوب بنی آدم كلها بین إصبعین من أصابع الرحمن كقلب واحد یصرفه کیف شاء» می‌داند (۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۲)؛ اما بر خلاف نقل این عالمان، روایت مذکور، در هیچ یک از مصادر موجود اهل سنت به نقل از عبد الله بن عمر و ابوهریره گزارش نشده است. در واقع نقلی که سید مرتضی و متقی هندی بدان اشاره دارند، روایت «عبد الله بن عمرو بن عاص» است که به اشتباه آن را نقل «عبد الله بن عمر» انگاشته‌اند. به نظر می‌رسد واژگان «عمر» و «عمرو» در این متون به تصحیف مبتلا هستند. موید دیگر این نظر، عدم نقل طریق پرتکرار «عبد الله بن عمرو بن عاص» در کتاب کنز العمال است. علی‌رغم اینکه متقی هندی در کنز العمال در پی نقل همه طرق یک روایت است، اما طریقی که برای این حدیث، به کرات در منابع روایی همچون مسند احمد، بخاری، مسلم و ... ذکر شده، در قلم صاحب کنز العمال نگنجیده است و به جای آن، از عبد الله بن عمر یاد می‌کند که در کتب موجود، اثری از طریق او در نقل این روایت، به چشم نمی‌خورد. نقل کنز العمال این است: «إن قلوب بنی آدم كلها بین إصبعین من أصابع الرحمن كقلب واحد یصرفه کیف شاء (حم م عن ابن عمر)». این تنها نقلی است که در آن کلمه «کله‌ها» وجود دارد حال آنکه در سایر نقل‌ها، این عبارت ذکر نشده است. با جستجوی روایت مذکور در منابع معتبر اهل سنت تا قرن ۵، مشاهده می‌شود که سند به «عبد الله بن عمرو بن عاص» می‌رسد. برای مثال: «حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أبو عبد الرحمن ثنا حياءُ أخبرني أبو هانئ انه سمع أبا عبد الرحمن الحبلي انه سمع عبد الله بن عمرو انه سمع ...» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۸) و یا «(حدثني) زهير بن حرب وابن نمير كلاهما عن المقرئ قال زهير حدثنا عبد الله بن يزيد المقرئ قال حدثنا حياءُ أخبرني أبو هانئ انه سمع أبا عبد الرحمن الحبلي انه سمع

عبد الله بن عمرو بن العاص يقول إنه سمع ...» (نيسابوری، بی تا، ج ۸، ص ۵۱؛ ابن ابی عاصم، ۱۴۱۳، ص ۱۰۰) که خود از خطای نقل کتبه‌العمال نشان دارد.

انتساب این روایت به «ابوهریره» از سوی علامه طباطبائی نیز دچار اشکال است و احتمالاً خلط و خطایی در نگارش نام صحابی رخ داده؛ زیرا در هیچ یک از طرق کهن و معتبر اهل سنت، این روایت به «ابوهریره» منسوب نیست.



رابطه شیخ و شاگردی ←
طریق مرسل یا معیوب ← - - -

۳. تحلیل رهیافت‌های خروج از مشکل عالمان

تصریح بر قرار گرفتن قلب مومن میان دو انگشت از انگشتان خداوند متعال علاوه بر تجسیم، بر تعداد و ترکیب نیز دلالت می‌کند. از آن رو که خداوند سبحان، از چنین تعبیری منزّه است، تأویل این اخبار مطابق با باورهای توحیدی و نافی تشبیه، محل بحث عالمان است که می‌توان محصول تلاش ایشان را در قالب سه رویکرد «پذیرشی»، «تأویلی» و «انکاری» تحلیل کرد.

۳-۱. رویکرد پذیرشی

فرقه مشبیه، اشاعره و مجسمه، از فرق اهل سنت، تنها کسانی هستند که مطابق با هندسه باورمندی خود، مفهوم ظاهری این روایات را بلاشکال می‌دانند و تنها اختلافی که میان اقوال ایشان به چشم می‌خورد به بحث از کیفیت این انگشتان ختم می‌شود (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۱۱۹؛ ذهبی، ۱۴۱۶، ص ۲۱۷؛ آلوسی، ۱۴۰۱، ص ۲۵۳ و ۴۶۳). ناگفته خود پیداست که این برداشت، نه تنها در نگاه امامیه جایگاهی ندارد و مردود شمرده می‌شود بلکه در نگاه سایر فرق اهل سنت که به عدم تشبیه باورمندند نیز، به نقد کشیده شده است (ابن جوزی، ۱۴۱۳، ص ۲۰۷).

۳-۲. رویکرد تأویلی

مفهوم انگشتان (اصابع) و دوتا بودن آنها (اصبعین) و نیز کیفیت دگونی قلب از سوی خداوند سبحان (تصرف) از دیگر مباحثی است که در نگاه دانشوران نیازمند تأویل است. ماحصل تلاش ایشان، بیان هفت وجه تأویلی در زدایش ابهام از چهره حدیث است:

۳-۲-۱. تأویل معنای انگشتان (اصابع)

۳-۲-۱-۱. مجاز از اثر حسن و نعمت

سید مرتضی به نقل از ابن حوشب می‌گوید: جایز نیست اخباری از این دست صرفاً بدان جهت که با توحید مطابق نیستند و بوی تشبیه می‌دهند، رد شوند یا به کذب راوی متهم گردند؛ مگر اینکه در لغت، مخرجی برای آن یافت نشود یا قابل تأویل نباشند. ایشان با اظهار دلایل لغوی و استناد به اشعار و متون عرب، اصابع را به معنای «اثر حُسن و نعمت» گرفته است. دلیل این اطلاق آن است که به اثر حسن، از باب اعجاب و تنبه، با انگشت اشاره می‌شود (سید مرتضی، ۱۳۲۵، ج ۲، ص ۲ - ۶). در میان عالمان شیعه، نام سید رضی، قاضی سعید قمی و سید عبد الله شبر نیز در زمره دانشوران هم‌رأی با سید مرتضی به چشم می‌خورد. ایشان این واژه را از باب استعاره و با توجه به کاربرد عرب، مراد از آن را، «حُسن» می‌شمارند (سید رضی، بی‌تا، ص ۳۴۹؛ قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۰۶؛ شبر، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۵۳۹). این نگرش مفهومی به حدیث مختص شیعه نیست بلکه از اهل سنت، ابن قتیبه دینوری و

ثعلبی نیز بر همین باورند که عرب از نعمت و یا ظهور اثر حسن، با «اصبع» یاد می‌کند. برای مثال برای توجه‌دهی به ظهور حسن رشد در شتر و یا ظهور حسن تدبیر در اموال یک فرد، عباراتی همچون «و استحملتهن اصبع» و «ما احسن اصبع فلان علی ماله» استفاده می‌شود. از این رو می‌توان گفت روایت در مقام تأکید بر این مطلب است که قلب انسان میان دو نعمت از نعمت‌های خداوند متعال محفوظ است (ر.ک: کاتب دینوری، ۱۴۰۵، ص ۳۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۴۳). ابن حزم نیز تصریح می‌کند که در لغت «اصبع» به معنای «نعمت» به کار رفته است (ابن حزم اندلسی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵).

۳-۲-۱-۲. مجاز از آسانی در تصرف قلوب

از دیگر وجوه محتمل از نگاه سید مرتضی، اشاره به تیسیر خداوند متعال در تصرف قلوب است؛ یعنی روایت کنایه از بدون مشقت، آسان بودن و تحت قدرت خداوند متعال بودن تصرف قلوب است. از نگاه او این وجه، بر سایر وجوه معنایی ترجیح دارد (سید مرتضی، ۱۳۲۵، ج ۲، ص ۲ - ۶؛ شبر، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۵۳۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۴۳).

۳-۲-۱-۳. عضو نگهدارنده قلب

سید مرتضی در وجه دیگری «اصبعین» را دو جسم شبیه به انگشت که قلب را دربرگرفته‌اند و آن را حرکت می‌دهند معنا می‌کند و متذکر می‌شود که اضافه افعال به خداوند به معنی ملک و قدرت است و در نهایت دیدگاه مشبیه که قائل به جوارح برای خداوند متعال‌اند را رد می‌کند (سید مرتضی، همان؛ همو، ۱۴۰۹، ص ۱۷۴ - ۱۷۶؛ شبر، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۵۳۹). البته ایشان به صورت کامل به سایر وجوهی که سایر عالمان اهل سنت بدانها پرداخته‌اند اعم از اینکه اصبع، خلقی از مخلوقات خداوند متعال و دارای گوشت و ... باشد نیز اشاره کرده است (سید مرتضی، ۱۴۰۹، همان).

۳-۲-۱-۴. مجاز از سرعت تقلیب و قدرت بر تغییر

یکی از وجوه محتمل از نظر علامه مجلسی در تأویل این روایت، اشاره به سرعت تقلیب و قدرت بر تحریک و تغییر است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۸۳ - ۳۸۴). طریحی و فیض کاشانی نیز پیشتر این نظر را طرح کرده‌اند و مراد را سرعت تقلیب برمی‌شمارند (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۴۴؛ طریحی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۸).

از عالمان سنی، زمخشری، ابن عربی و ابن اثیر بر همین باورند. از نگاه ایشان روایت تمثیلی از سرعت تقلب و معقود مشیت خداوند متعال و از باب مجاز است و از سرعت تقلیب، از ایمان به کفر، نشان دارد. چرا که انگشت از صفات اجسام است و خداوند منزّه و برتر است که صفات جسم برایش متصور شود. از این رو، استعمال انگشت

برای پروردگار، مجاز خواهد بود؛ مانند اطلاق دست، چشم و گوش برای خداوند که به منزله تمثیل و کنایه است. در اینجا نیز میان انگشتان خدا بودن قلب، کنایه از سرعت دگرگونی است که به مشیت خداوند وابسته است. بنابراین بیان انگشتان، کنایه از اجزای قدرت و گرفتن با شدت است؛ زیرا گرفتن دست، با اجزای آن (انگشتان)، محقق می‌شود». (ر.ک: ابن عربی، ۱۴۱۴، ص ۱۳۰؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۹).

۳-۲-۱-۵. مجاز از دگرگونی حال مومن

می‌توان روایت را ناظر بر دگرگونی حال مومن و فسخ عزائم و مبدل شدن خوف به امن و امن به خوف و نیز فرض کرد، که همان تصویرگری تملک خداوند متعال بر قلب است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۶۱ - ۶۳). پس تعلق مشیت خداوند متعال بر توفیق و سلب توفیق قلب انسان، از دیگر مفاهیم تأویلی این روایت خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۳۷۳).

۳-۲-۱-۶. مجاز از وسائط تحریک و تقلیب

از نگاه ملا صدرا، می‌توان «اصبع» را واسطه تحریک، تقلیب و قدرت بر تغییر دانست. اعم از اینکه آن واسطه جسمانی باشد و یا غیر آن. یعنی روایت، به همان مخلوقاتی اشاره دارد که مسخر خداوند متعال اند اعم از «ملک و شیطان» و کار ایشان تصریف در قلوب است (صدر المتألهین، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۴۶ - ۲۴۷؛ همو، ۱۴۲۲، ص ۳۰۳). از میان عالمان بعدی، ملا صالح را نیز می‌توان با نظر ملاصدرا موافق دانست. از نگاه او مراد «ملک موکل قلب» است که واسطه «فیض و جود» به‌شمار می‌رود (مازندرانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۰۲ - ۳۰۳). قطعاً این به معنای جبر بر معاصی نیست چون قبیح و ضد عدل خواهد بود که جبر باشد و سپس عذاب شود (همان، ج ۵، ص ۱۶ - ۱۷). علامه مجلسی نیز به کیفیت این تصریف اشاره می‌کند. به این معنا که چون «ملک و شیطان» مسخر قدرت خداوند متعال اند پس فعل ایشان همان فعل خداوند متعال به شمار خواهد آمد. همچنین برای رفع شبهه جبر و رفع تکلیف، بحث پیروی از هوا و هوس و چگونگی ارتباط آن با تصریف خداوند متعال را تشریح کرده است (۱۴۰۴، ج ۹، ص ۳۸۳ - ۳۸۴). در حقیقت روایت همسان با آیه «و ما رمیت اذ رمیت» در مقام بیان این است که کل قدرت، وجود و کمال از خداوند متعال صادر است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، پاورقی، ص ۳۵۳).

از عالمان اهل سنت، ابن جوزی، ابوحیان اندلسی، ابن حجر و راغب اصفهانی نیز بر همین باورند. از این رو منظور روایت بیان دلیل و راهنما بودن خداوند متعال در تقلب و مقهور بودن قلب و نیز توجه‌دهی به این است که انسان جز به مشیت خداوند متعال نمی‌تواند کاری انجام دهد. (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۲۹ - ۱۳۰؛ ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۴۷۷؛ ابن حجر، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۳۲۳ - ۳۲۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۷، ص ۳۹۱).

۳-۲-۱-۷. مجاز از مخلوقی خاص

برخی از اهل سنت این امکان را طرح کرده‌اند که شاید «اصابع»، خلقی از مخلوقات خداوند متعال باشد (ابن حجر، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۳۳۶)، که به این نام خوانده شده است (عینی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۴۴). این نظر به نظر پیشین کمی نزدیک است از این حیث که آنان وسائط را فرشته یا شیطان می‌دانستند اما این گروه واسطه را مخلوقی خاص برشمرده‌اند که می‌تواند مجزا از فرشته و شیطان باشد.

۳-۲-۲. تأویل معنای دو انگشت

تلاش دیگر عالمان، بیشتر ناظر به حل مشکل ترکیب و عدد است. آنان سعی کرده‌اند به چرایی دوتا بودن انگشتان، پاسخ دهند. شیخ صدوق «اصابع» را، «طریق» فرض کرده و منظور از دو انگشت را، «دو طریق خیر و شر» تأویل کرده است (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۶۰۵). سید مرتضی در راستای وجه تأویلی خود که معنای انگشت را نعمت گرفته بود، دوتا بودن آن را نیز به دو نعمت دنیا و آخرت ناظر می‌داند (سید مرتضی، ۱۳۲۵، ج ۲، ص ۲ - ۶). سید حیدر آملی در قرن هشتم نیز با تبیین دو جهتی بودن قلب (جهتی به سوی روح و عقل و جهتی به سوی جسم و جسد)، دو انگشت را ناظر به همین دو جهت می‌داند (آملی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۸). ملاهادی سبزواری در تعبیری متفاوت، مراد را «صفت جمال و جلال»، یا به دیگر عبارت، «لطف و قهر خداوند» دانسته است (۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۵۱). او همچنین محتمل می‌داند که مراد از دو اصبع، «عقل کل» و «نفس کل»، یا «عقلین» (نظری و عملی)، یا «عقل و نفس جزئی» باشد (۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۴۹). از عالمان متأخر شیعی، شبر مراد از دو انگشت را اشاره به دو نقطه سیاه و سفید در قلب می‌داند. بنابر روایات با انجام گناهان بر حجم نقطه سیاه کم افزوده می‌شود به گونه‌ای که تمام قلب را دربرمی‌گیرد و برعکس (شبر، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۵۳۹).

در میان عالمان اهل سنت ابن حزم با اشاره به معنای نعمت، بر این باور است که مراد از دو انگشت، دو نعمت و دو تدبیر از جانب خداوند متعال است اعم از نعمتی که به انسان اعطاء می‌شود و موجب خشنودی او می‌گردد و یا بلائی که انسان از آن در امان می‌ماند. قلب هر فردی میان توفیق و جلال خداوند متعال قرار داد که هر دو حکمت است (۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵). فخر رازی نیز در مقام تبیین همین چرایی است. او به قرینه اینکه قلب مدام بین دو «منادی به فعل» و «منادی به ترک» است و هر دو داعی، به ایجاد خداوند متعال حاصل شده‌اند، مراد از «اصبعین» را این دو داعی گرفته است (۱۴۲۰، ج ۱۳، ص ۱۴۷). پس از او طنطاوی مراد را استعدادی که انسان‌ها برای هدایت و ضلالت دارند دانسته (بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۲۳) که نظر وی در میان عالمان معاصر اهل سنت پذیرفته‌تر است (دویش، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۴).

۳-۳. رویکرد انکاری

علیرغم اینکه پذیرش مراد ظاهری روایت قابل نقد محتوایی عقلی و نقلی است اما رویکرد انکاری عالمان بیشتر در قالب تضعیف سندی نمایان گشته است. عده‌ای از عالمان، همسان با سایر روایات مشتبّه بر تجسیم به انکار این روایت روی آورده و آن را از باطل و برگرفته از یهود محسوب کرده‌اند (ابن شاذان، ۱۳۵۱، پاورقی، ص ۱۶-۱۸؛ النجمی، ۱۴۱۹، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ سبحانی، ۱۴۱۹، ص ۳۸۱-۳۸۷) ایشان برای اثبات نظر خود، ادله عقلی و یا نقلی ارائه نکرده‌اند، شاید به این دلیل که از نگاه ایشان، مردود بودن تجسیم و تشبیه با توجه به ظاهر بسیاری از آیات و روایات، بدیهی است. در مقابل برخی عالمان تضعیف سندی را در انکار روایت ترجیح داده‌اند و این احادیث را روایت پیامبر (ص) نمی‌دانند بلکه آن را از موقوفات و نقل‌های اجتهادی ابن عباس و مردود می‌شمارند (دویش، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۴-۱۷۶). البته این نگاه با توجه به یافته‌های تحلیل اسناد (نمودار ۱) که حدیث را در زمره احادیث مشهور مطلق و به روایت از هشت نفر از صحابه (عایشه، انس، نواس، نعیم بن هماز، سبره بن فاتک، عبد الله بن عمرو، ام سلمه، جابر) منسوب می‌داند، قابل رد است. همانگونه که علامه طباطبایی نیز بدان تصریح دارد این محتوای روایی از طرق متعدد از صحابه نقل شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۷۱) و نمی‌توان نقد سندی را دلیل محکمی بر انکار آن دانست.

نتایج تحقیق

حاصل آنکه، مضمون روایی «دگرگونی قلب مومن میان انگشتان خداوند» در قلم دانشوران، مسیری از پذیرش تا انکار را به تمامی پیموده است. بر خلاف تصور رایج که به متفق فریقین بودن روایت دلالت دارد، اصل این روایت در امامیه، از مفردات صدوق است و کثرت نقل آن صرفاً به منقولات اهل سنت بازمی‌گردد. آنچه متفق فریقین است دلالت اجمالی معناست که از دعای غریق برداشت می‌شود.

اگرچه از نگاه عمده دانشوران، تأویل تنها چاره حل مشکل است، اما باید گفت عالمان در مواجهه با این متن روایی سه رویکرد «پذیرشی»، «تأویلی» و «انکاری» را اتخاذ کرده‌اند.

رویکرد پذیرش ظاهری و مطلق تنها از آن فرق مشبّهه، اشاعره و مجسمه (فرق اهل سنت) است. این فهم از حدیث، نه تنها به اعتقاد امامیه مردود شمرده می‌شود بلکه در نگاه سایر فرق اهل سنت که به عدم تشبیه باورمندند نیز، به نقد کشیده شده است.

در رویکرد تأویلی علیرغم تصور رایج که «تسلط و قدرت خداوند بر قلوب» را معنای اصلی حدیث می‌دانند، بیان هفت وجه معنایی مختلف در قلم عالمان، معنایی فراتر را در ذهن تداعی می‌کند. معانی همچون اثر حسن و نعمت، عضو نگهدارنده قلب، آسانی در تصرف قلوب، سرعت تقلیب و قدرت بر تغییر، وسائط تغییر و تقلیب و ...؛ این معانی گاه زاده تأویل «تقلیب» است و گاه از توجه به معنای «انگشت» و یا «رفع اشکال عددی و یا کیفیت دگرگونی» برمی‌خیزد.

علیرغم اینکه پذیرش مراد ظاهری روایت قابل نقد محتوایی عقلی و نقلی است اما رویکرد انکاری عالمان بیشتر در قالب تضعیف سندی نمایان گشته است. از نگاه برخی عالمان، این محتوایی روایی از منقولات اجتهادی و منفردات برخی صحابه همچون ابن عباس است. از این رو نمی‌توان آن را در زمره احادیث جای داد. حال آنکه قوت اسناد که مکشوف از ترسیم شبکه اسانید و تحلیل درایه‌ای طرق نقل است، نشان می‌دهد، تنها در طبقه اصحاب، بیش از هشت نفر از صحابه راوی این محتوا از پیامبر (ص) هستند. از این رو نمی‌توان نقد سندی را مبنای صحیحی در انکار و رد آن دانست. بنابراین رویکرد تأویلی، مسیری منطقی‌تر در مواجهه با این دسته از احادیث به شمار می‌رود.

پیوست شماره یک			
منبع	اسناد روایت	مصدر	متن روایت
در کتاب التذکره	حدثنا أحمد بن محمد عن أبيه عن محمد بن أحمد عن موسى بن عمر عن ابن سنان عن أبي سعيد القمطاط عن حمران	امام باقر علیه السلام	إذا كان الرجل على يمينك على رأى ثم تحول إلى يسارك فلا تقل إلا خيراً ولا تبرأ منه حتى تسمع منه ما سمعت وهو على يمينك فان القلوب بين إصبعين من أصابع الله يقلبها كيف يشاء ساعة كذا وساعة كذا وإن العبد ربما وفق للخير.
مسند ابن راهويه (۳۲۸ م)	خبرنا النضر بن شميل، نا المبارك بن فضالة، عن علي بن زيد بن جدعان عن سمع عائشة تقول	رسول الله صلى الله عليه و آله	كان النبي يقول: يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك فقلت: أو تخشى ذلك يا رسول الله؟ فقال: إن قلب ابن آدم بين إصبعين من أصابع الرحمن فإذا شاء أن يصرفه إلى هدى صرفه وإن صرفه إلى ضلال فعل.
مسند أحمد (۲۴۱ م)	حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا أبو عبد الرحمن ثنا حياة أخبرني أبوهاني انه سمع أبا عبد الرحمن الجبلي انه سمع عبد الله بن عمرو		إن قلوب بني آدم كلها بين إصبعين من أصابع الرحمن عز وجل تقلب واحد يصرف كيف يشاء ثم قال رسول الله ﷺ مصرف القلوب اصرف قلوبنا إلى طاعتك.

قلب ابن آدم علی إصبعین من أصابع الجبار عز وجل إذا شاء أن یقلبہ قلبه فکان یكثر أن یقول یا مصرف القلوب.		حدثنا عبد الله حدثنی أبی ثنا یحیی بن غیلان ثنا رشدين حدثنی أبوهانی الخولانی عن أبی عبد الرحمن الحلی عن عبد الله بن عمرو بن العاصی	
كان النبی ۹ یكثر ان یقول یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک قال فقلنا یا رسول الله آمنا بک وبما جئت به فهل تخاف علینا قال فقال نعم ان القلوب بین إصبعین من أصابع الله عز وجل یقلبها.		حدثنا عبد الله حدثنی أبی ثنا أبو معاویة عن الأعمش عن أبی سفیان عن أنس	
ما من قلب الا هو بین إصبعین من أصابع رب العالمین ان شاء ان یمیمه أقامه وان شاء ان یریغه أزاعه وكان یقول یا مقلب القلوب ثبت قلبونا علی دینک والمیزان بید الرحمن عز وجل یمفضه ویرفعه.		عبد الله حدثنی أبی ثنا الولید بن مسلم قال سمعت یعنی ابن جابر یقول حدثنی بسر بن عبد الله الحضرمی انه سمع أبا إدريس الخولانی یقول سمعت النواس بن سمعان الکلابی	
كان رسول الله ۹ یكثر یدعو بها یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک قالت فقلت یا رسول الله انک تكثر تدعو بهذا الدعاء فقال إن قلب الأدمی بین إصبعین من أصابع الله عز وجل فإذا شاء أزاعه وإذا شاء أقامه.		حدثنا عبد الله حدثنی أبی ثنا یونس قال ثنا حماد یعنی ابن یزید عن المعلى بن زیاد وهشام ویونس عن الحسن ان عائشة	
كان یكثر ان یقول یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک وطاعتک فقلیل له یا رسول الله قال عفان فقالت له عائشة انک تكثر ان تقول یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک وطاعتک قال وما یؤمنی وإنما قلوب العباد بین أصبعی الرحمن انه إذا أراد ان یقلب قلب عبد قلبه.		حدثنا عبد الله حدثنی أبی ثنا عبد الصمد وعفان قالاً ثنا حماد بن سلمة قال ثنا علی بن زید عن أم محمد عن عائشة	
كان یكثر فی دعائه أن یقول اللهم مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک قالت قلت یا رسول الله أو ان القلوب لتتقلب قال نعم ما من خلق الله من بنی آدم من بشر الا ان قلبه بین إصبعین من أصابع الله فان شاء الله عز وجل أقامه وان شاء الله أزاعه.		حدثنا عبد الله حدثنی أبی ثنا هاشم ثنا عبد الحمید قال حدثنی شهر بن حوشب قال سمعت أم سلمة	
كان النبی ۹ یكثر أن یقول: یا مثبت القلوب! ثبت قلبی علی دینک، قالوا: یا رسول الله! آمنا بک وبما جئت به، فهل تخاف علینا؟ قال: نعم، إن القلوب بین إصبعین من أصابع الله یقلبها.		حدثنا أبو معاویة عن الأعمش عن أبی سفیان عن أنس	المعنی ابن شبهه (م ۵۳)
یا أم المؤمنین! ما كان أكثر دعاء رسول الله ۹ إذا كان عندک، قالت: أكثر دعائه: یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک، ثم قال: یا أم سلمة! إنه لیس من آدمی إلا وقلبه بین إصبعین من أصابع الله، ما شاء أقام وما شاء أزاع.		حدثنا معاذ أخبرنا أبو کعب صاحب الحریر حدثنا شهر بن حوشب قال: قلت لام سلمة:	

كان رسول الله يقول يا مقلب القلوب! ثبت قلبي على دينك، قلت: يا رسول الله! إنك تدعو بهذا الدعاء، قال: يا عائشة! أو ما علمت أن القلوب - أو قال: قلب بني آدم بين إصبعي الله، إذا شاء أن يقلبه إلى هدى قلبه، وإذا شاء أن يقلبه إلى ضلالة قلبه.		حدثنا يزيد أخبرنا همام بن يحيى عن علي بن زيد عن أم محمد عن عائشة	
إن قلوب بني آدم كلها بين إصبعين من أصابع الرحمن كقلب واحد يصرفه حيث يشاء ثم قال رسول الله ﷺ مصرف القلوب صرف قلوبنا على طاعتك.		زهير بن حرب وابن نمير كلاهما عن المقرئ قال زهير حدثنا عبد الله بن يزيد المقرئ قال حدثنا حياة أخبرني أبوهائي أنه سمع أبا عبد الرحمن الحبلي أنه سمع عبد الله بن عمرو بن العاص	صحیح مسلم (م ۱۶۱)
ما من قلب إلا بين إصبعين من أصابع الرحمن. إن شاء أقامه وإن شاء أزاعه وكان رسول الله ﷺ يقول يا مثبت القلوب ثبت قلوبنا على دينك قال والميزان بيد الرحمن يرفع أقواما ويخفض آخرين إلى يوم القيامة.		حدثنا هشام بن عمار. ثنا صدقة بن خالد. ثنا ابن جابر، قال سمعت بسر ابن عبيد الله يقول: سمعت أبا إدريس الخولاني يقول: حدثني النواس بن سمعان الكلابي	سنن ابن ماجه (م ۲۷۳)
كان رسول الله ﷺ يقول يا مقلب القلوب! ثبت قلبي على دينك فقال رجل: يا رسول الله! تخاف علينا؟ وقد آمنا بك وصدقناك بما جئت به. فقال إن القلوب بين إصبعين من أصابع الرحمن، عز وجل، يقلبها.		حدثنا محمد بن عبد الله بن نمير ثنا أبي ثنا الأعمش عن يزيد الرقاشي، عن أنس بن مالك	
كان رسول الله ﷺ يقول: يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك، فقلت: يا نبي الله آمنا بك وبما جئت بهل تخاف علينا؟ قال نعم إن القلوب بين إصبعين من أصابع الله يقلبها كيف شاء.		حدثنا هناد أخبرنا معاوية عن الأعمش عن أبي سفيان عن أنس	سنن ترمذی (م ۲۷۹)
يا أم المؤمنين ما كان أكثر دعاء رسول الله ﷺ كان عندك؟ قالت كان أكثر دعائه يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك، قالت فقلت يا رسول الله ما لأكثر دعائك يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك؟ قال يا أم سلمة إنه ليس آدمي إلا وقلبه بين إصبعين من أصابع الله فمن شاء أقام ومن أشاء أزاع.		حدثنا أبو موسى الأنصاري أخبرنا معاذ بن معاذ عن أبي كعب صاحب التحرير قال حدثني شهر بن حوشب قال قلت لأم سلمة	
سمعت رسول الله ﷺ يقول ما من امرئ إلا قلبه بين إصبعين من أصابع الرحمن إن شاء أن يرفعه أزاعه وإن شاء أن يقيمه أقامه قال والميزان بيد الرحمن تبارك وتعالى يرفع قوما ويضع آخرين إلى يوم القيامة.		حدثنا محمد بن مصفى نا أبو المغيرة عبد القدوس نا الوليد بن سليمان بن أبي السائب أخبرني بسر بن عبيد الله عن أبي إدريس الخولاني عن نعيم بن همار ^۱	م (۲۸۷) الآحاد ضحاك

۱. همین متن در کتاب دیگر ابن ابی عاصم (السنه)، با کمی تغییر اینگونه نقل شده است: نا ابن مصفا، ثنا أبو المغيرة، ثنا الوليد بن سلمان بن ابی السائب، ثنا بسر بن عبيد الله، عن ابی إدريس الخولاني، عن نعيم بن همار قال: سمعت رسول الله ﷺ يقول: ما من امرئ الا قلبه بين إصبعين من أصابع الرحمن، إن شاء أن يزيغه أزاعه، وإن شاء أن يقيمه أقامه.

حدثنا هشام بن عمار أبو الوليد السلمی ثنا أبو مطیع معاویة بن یحیی نا محمد بن الولید الزبیدی عن عبد الرحمن بن جبر بن نغیر عن أبيه عن سيرة بن فاكهة الأسدي		الميزان بيد الرحمن جل جلاله يرفع قوما ويضع قوما وقلب بن آدم بين إصبعين من أصابع الرحمن عز وجل إذا شاء أزاغه وإذا شاء أقامه.
حدثنا هشام بن عمار، ثنا أبو مطیع معاویة بن یحیی الأطرابلسی، حدثنا محمد بن الولید الزبیدی، عن عبد الرحمن بن جبر بن نغیر، عن أبيه، عن سيرة بن فاكهة (سيرة بن فاتك) ^۱	السنة ضحاك (م ۲۷۸)	قلب ابن آدم بين إصبعين من أصابع الرحمن، إن شاء أن يقيمه أقامه، وإن شاء أن يزيغه أزاغه.
ثنا ابن مصفا، ثنا أبو عبد الرحمن المقرئ، ثنا حياة بن شريح، حدثنا أبوهاني أنه سمع أبا عبد الرحمن الحبلي يقول: إنه سمع عبد الله بن عمرو		إن قلوب بني آدم كلها بين إصبعين من أصابع الرحمن يقلب ويصرف كيف شاء.
حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب الأصم ثنا بحر بن نصر ^۲ ثنا بشر بن بكر ثنا عبد الرحمن بن يزيد بن جابر قال ثنا بسر ابن عبيد الله قال سمعت أبا إدريس الخولاني قال سمعت النواس بن سمعان الكلابي	مستدرک حاکم (م ۲۶۱)	سمعت رسول الله ^۹ يقول ما من قلب الا بين إصبعين من أصابع الرحمن ان شاء أقامه وان شاء أزاغه وكان رسول الله ^۹ يقول اللهم يا مقلب القلوب ثبت قلبي على دينك والميزان بيد الرحمن يرفع أقواما ويخفض آخرين إلى يوم القيامة.
الأعمش عن أبي سفيان عن جابر رضي الله عنه		كان رسول الله ^۹ يكثر أن يقول يا مقلب القلوب ثبت قلوبنا على دينك قلنا يا رسول الله تخاف علينا وقد أمانا بك فقال إن قلوب بني آدم بين إصبعين من أصابع الرحمن كقلب واحد.
حدثنا أحمد بن عبد الوهاب بن نجدة ثنا أبو المغيرة ثنا الوليد بن سليمان بن أبي السائب حدثني بسر بن عبيد الله عن أبي إدريس الخولاني عن نعيم بن همار الغطفاني	مسند الشافعي (م ۲۶۰)	ما من امرئ إلا وقلبه معلق بين إصبعين من أصابع الرحمن عز وجل إن شاء الله أن يقيمه أقامه وإن شاء أن يزيغه أزاغه والميزان بيد الرحمن يرفع أقواما ويضع آخرين إلى يوم القيامة.

۱. به نظر می‌رسد همانگونه که در سایر منابع مشهود است راوی این حدیث سیره بن فاتک الاسدی برادر خریم بن فاتک باشد که ابن ابی عاصم به اشتباه از او به سیره بن فاکهه یاد کرده است. ر.ک: طبرانی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۱۷
۲. همین متن در مستدرک حاکم با سند دیگری نیز آمده که تنها تفاوت آن جایگزینی محمد بن عبد الله بن عبد الحکم به جای بحر بن نصر در سند است.

کتاب‌نامه:

- آلوسی، نعمان بن محمود (۱۴۰۱ق)، *جلاء العینین فی محاکمه الأحمدين*، بی‌جا، مطبعة المدني.
- آملی، سید حیدر (۱۳۶۸ش)، *جامع الاسرار ومنبع الانوار*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن ابی شیبہ، عبد الله بن محمد (۱۴۰۹ق)، *المصنف*، تحقیق و تعلیق: سعید اللحام، بیروت: دار الفکر.
- ابن ابی عاصم، عمرو (۱۴۱۱ق)، *الآحاد والمثانی*، بیروت: دار الدرایه.
- ابن ابی عاصم، عمرو (۱۴۱۳ق)، *کتاب السنه*، بیروت: المکتب الاسلامی.
- ابن اثیر، مجد الدین مبارک بن محمد (۱۳۶۴ش)، *النهاية فی غریب الحديث والأثر*، قم: مؤسسه إسماعیلیان.
- ابن راهویه، إسحاق (۱۴۱۲ق)، *المسند*، الدكتور عبد الغفور عبد الحق حسین برد البلوسی، المدینه: مکتبه الإيمان.
- ابن جوزی، عبد الرحمن (۱۴۱۳ق)، *دفع شبه التشبيه بأکف التنزيه*، تحقیق و تقدیم: حسن السقاف، الأردن: دار الإمام النووي.
- ابن جوزی، عبد الرحمن (۱۴۱۳ق)، *كشف المشكل من حديث الصحيحين*، الرياض: دار الوطن للنشر.
- ابن حجر، احمد بن علی (بی‌تا)، *فتح الباری*، بیروت: دار المعرفة.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (۱۴۱۶ق)، *الفصل فی الملل و الأهواء و النحل*، بیروت: بی‌نا.
- ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، *المسند*، بیروت: دار صادر.
- ابن شاذان، فضل (۱۳۵۱ش)، *الایضاح*، السيد جلال الدین الحسینی الأرموی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ابن عربی، محیی الدین (۱۴۱۴ق)، *التوحيد و العقيدة*، محمود غراب، دمشق: بی‌نا.
- ابن ماجه، محمد بن یزید (بی‌تا)، *السنن*، تحقیق و ترقیم و تعلیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، محقق و مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت: دار الفکر.
- ابو حیان الاندلسی، محمد بن یوسف (۴۲۲ق)، *تفسير البحر المحیط*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۸ش)، *فقه الحديث ۲*، قم: دارالحديث.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۴۰۳ق)، *سنن الترمذی*، تحقیق و تصحیح: عبد الرحمن محمد عثمان، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۴۲۲ق)، *الکشف والبيان عن تفسير القرآن (تفسير الثعلبی)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- دویش، احمد بن عبد الرزاق (بی‌تا)، *فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والإفتاء*، الرياض: بی‌نا.
- ذهبی، شمس الدین (۱۴۱۳ق)، *سير أعلام النبلاء*، إشراف و تخريج: شعيب الأرناؤوط، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۴۲۷ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، قم: مکتبه ذوی القربی.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۹ق)، *الحديث النبوی بین الروایة والدراية*، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۸۳ش)، *أسرار الحكم*، قم: بی‌نا.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۷ش)، *شرح مثنوی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سید رضی، محمد بن الحسین (بی‌تا)، *المجازات النبویه*، تحقیق و شرح: طه محمد الزيتی، قم: منشورات مکتبه بصیرتی.
سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۳۲۵ش)، *الأمالی*، تصحیح و تعلیق: السید محمد بدر الدین النعسانی الحلبي، قم: منشورات مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی.

سید مرتضی، علی بن الحسین (۱۴۰۹ق)، *تنزیه الأنبياء (ع)*، بیروت: دار الأضواء.
شبر، سید عبد الله (۱۴۳۲ق)، *مصابیح الانوار*، قم: مؤسسه دارالحديث العلمیه والثقافیه.
صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶ش)، *شرح أصول الکافی*، تهران: بی‌نا.
صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *المبدأ والمعاد*، قدمه و صححه: الأستاذ السید جلال الدین الآشتیانی، مکتب الإعلام الإسلامی.
صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *الأمالی*، قم: قسم الدراسات الإسلامیه، مؤسسه البعثه.
صدوق، محمد بن علی (بی‌تا)، *التوحید*، تصحیح و تعلیق: السیدهاشم الحسینی الطهرانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، محمد صادق بحر العلوم، نجف: منشورات المکتبه الحیدریه.
صدوق، محمد بن علی (بی‌تا)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح: علی أكبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.
طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق)، *مسند الشامیین*، حمدی بن عبدالمجید السلفی، بیروت: مؤسسه الرساله.
طبرانی، سلیمان بن احمد (بی‌تا)، *المعجم الکبیر*، حمدی بن عبدالمجید السلفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
طریحی، فخر الدین (۱۳۶۲ش)، *مجمع البحرین*، تهران: طراوت.

طنطاوی، سید محمد (بی‌تا)، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، بی‌جا.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، بیروت: بی‌نا.
عینی، بدر الدین (بی‌تا)، *عمده القاری*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، دار احیاء التراث العربی.
فیض کاشانی، فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا)، *المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، صححه و علق علیه: علی أكبر الغفاری، قم: حیدری.
قمی، قاضی سعید (بی‌تا)، *شرح توحید الصدوق*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

کاتب دینوری، ابو محمد (۱۴۰۵ق)، *الاختلاف فی اللفظ و الرد علی الجهمیه و المشبهه*، بیروت: بی‌نا.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، طهران، دار الکتب الإسلامیه.
گلمکانی، رامین و دلبری علی (۱۴۰۱ش)، بررسی سندی و دلالتی حدیث «قلب المؤمن بین اصبعین ...»، *حدیث پژوهی*، شماره ۲۷،

مازندرانی، مولی محمد صالح (۱۴۲۱ق)، *شرح أصول الکافی*، تعلیقات: المیرزا أبو الحسن الشعرانی، ضبط و تصحیح: السید علی عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

متقی هندی، علاء الدین علی (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، تصحیح وفهرسة: الشيخ صفوة السقا، بیروت: مؤسسه الرسالة.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ص)*، تصحیح السید هاشم الرسولی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق)، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم: بی‌نا.

نجفی، محمد صادق (۱۴۱۹ق)، *أضواء علی الصحیحین*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.

نیسابوری، حاکم (بی‌تا)، *المستدرک*، إشراف: یوسف عبد الرحمن المرعشلی، بی‌جا، بی‌نا.

نیسابوری، مسلم (بی‌تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: دار الفکر.

Bibliography

- Abū Ḥayyān al-Andalusī, Muḥammad Ibn Yūsuf (1422 H), *Tafsīr al-Baḥr al-Muḥīt*, Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. (In Arabic)
- Abū Ḥayyān al-Andalusī, Muḥammad Ibn Yūsuf (1422H), *Tafsīr al-Baḥr al-Muḥīt*, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya. (In Arabic)
- Ālūsī, Nu'mān Ibn Maḥmūd (1401H), *Jalā' al-'aynayn fī muḥākamat al-aḥmadayn*, al-Maṭba'a al-Madanī. (In Arabic)
- Amoli, Sayyid Haydar (1368 SH), *Jāmi' al-Asrār wa Manba' al-Anwār*, N.p.: Scientific and cultural Publications. (In Persian)
- 'Aynī, Badr al-Dīn (n.d.), *Umdat al-qārī*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Dhahabī, Shams al-Dīn (1413H), *Siyar a'lām al-nubalā'*, ed. Shu'ayb al-Arna'ūt, Beirut: Mu'assasat al-Risāla. (In Arabic)
- Dwaysh, Aḥmad Ibn 'Abd al-Razzāq (n.d.), *Fatāwā al-Lajna al-Dā'ima li-l-Buḥūth al-'Ilmiyya wa al-Ifṭā'*, Riyadh: (n.d). (In Arabic)
- Fakhr al-Rāzī, Muḥammad Ibn 'Umar (1420H), *al-Tafsīr al-kabīr*, Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Fayḍ al-Kāshānī, Mullā Muḥsin (n.d.), *al-Maḥajja al-bayḍā' fī tahdhīb al-Iḥyā'*, ed. 'Alī Akbar al-Ghaffārī, Qom: Ḥaydarī. (In Arabic)
- Gulmakani, Ramin, and Delbari Ali (1401 SH), "A Documentary and Semantic Study of the Hadith "The Heart of a Believer is Between Two Fingers...", *Hadith Pajoohi*, No. 27, pp. 53-70. (In Persian)
- Ibn Abī 'Āṣim, 'Amr (1411H), *al-Āḥād wa al-mathānī*, Beirut: Dār al-Dirāya. (In Arabic)
- Ibn Abī 'Āṣim, 'Amr (1413H), *Kitāb al-Sunna*, Beirut: al-Maktab al-Islāmī. (In Arabic)

- Ibn Abī Shayba, ‘Abd Allāh Ibn Muḥammad (1409H), *al-Muṣannaf*, ed. Sa‘īd al-Laḥḥām, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn al-Athīr, Majd al-Dīn Mubārak Ibn Muḥammad (1364H), *al-Nihāya fī gharīb al-ḥadīth wa al-athar*, Qom: Mu’assasat Ismā‘īliyyān. (In Arabic)
- Ibn al-Jawzī, ‘Abd al-Raḥmān (1413H), *Daf‘ shubah al-tashbīh bi-akuff al-tanzīh*, ed. Ḥasan al-Saqqāf, Jordan: Dār al-Imām al-Nawawī. (In Arabic)
- Ibn al-Jawzī, ‘Abd al-Raḥmān (1413H), *Kashf al-mushkil min ḥadīth al-Ṣaḥīḥayn*, Riyadh: Dār al-Waṭan. (In Arabic)
- Ibn ‘Arabī, Muḥyī al-Dīn (1414H), *al-Tawḥīd wa al-‘aqīda*, ed. Maḥmūd Gharāb, Damascus: (n.d). (In Arabic)
- Ibn Ḥajar, Aḥmad Ibn ‘Alī (n.d.), *Fath al-Bārī*, Beirut: Dār al-Ma‘rifa. (In Arabic)
- Ibn Ḥanbal, Aḥmad (n.d.), *al-Musnad*, Beirut: Dār Ṣādir. (In Arabic)
- Ibn Ḥazm al-Andalusī, ‘Alī Ibn Aḥmad (1416H), *al-Fiṣal fī al-milal wa al-ahwā’ wa al-niḥal*, Beirut: (n.d). (In Arabic)
- Ibn Mājah, Muḥammad Ibn Yazīd (n.d.), *al-Sunan*, ed. Muḥammad Fu‘ād ‘Abd al-Bāqī, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn Manzūr, Muḥammad Ibn Mukarram (1414H), *Lisān al-‘Arab*, ed. Mīr Dāmād, Jamāl al-Dīn, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ibn Rāhwayh, Ishāq (1412H), *al-Musnad*, ed. ‘Abd al-Ghafūr ‘Abd al-Ḥaqq Ḥusayn Bard al-Balūsī, Medina: Maktabat al-Īmān. (In Arabic)
- Ibn Shādhān, Faḍl (1351H), *al-Īḍāḥ*, ed. Jalāl al-Dīn al-Ḥusaynī al-Arma‘ī, Tehran: University of Tehran Press. (In Arabic)
- Kātib al-Dīnawarī, Abū Muḥammad (1405H), *al-Ikhtilāf fī al-lafẓ wa al-radd ‘alā al-Jahmiyya wa al-Mushabbiha*, Beirut: (n.p). (In Arabic)
- Kulaynī, Muḥammad Ibn Ya‘qūb (1363H), *al-Kāfī*, ed. ‘Alī Akbar al-Ghaffārī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Majlisī, Muḥammad Bāqir (1404H), *Mir‘āt al-‘uqūl fī sharḥ akhbār Āl al-Rasūl (s)*, ed. Hāshim al-Rasūlī, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Makārīm al-Shīrāzī, Nāṣir (1421H), *al-Amthal fī tafsīr kitāb Allāh al-munzal*, Qom: (n.p). (In Arabic)
- Māzandarānī, Mullā Muḥammad Ṣāliḥ (1421H), *Sharḥ uṣūl al-Kāfī*, ed. Abū al-Ḥasan al-Shi‘rānī & ‘Alī ‘Āshūr, Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī. (In Arabic)
- Muttaqī al-Hindī, ‘Alā’ al-Dīn ‘Alī (1409H), *Kanz al-‘ummāl*, ed. Ṣafwat al-Saqqā, Beirut: Mu’assasat al-Risāla. (In Arabic)
- Najmī, Muḥammad Ṣādiq (1419H), *Aḍwā’ ‘alā al-Ṣaḥīḥayn*, Qom: Mu’assasat al-Ma‘ārif al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Nisābūrī, al-Ḥākim (n.d.), *al-Mustadrak*, ed. Yūsuf ‘Abd al-Raḥmān al-Mar‘ashlī, (n.d): (n.p). (In Arabic)
- Nisābūrī, Muslim (n.d.), *Ṣaḥīḥ Muslim*, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Pasandideh, Abbas (1398 SH), *Fiqh al-Hadith 2*, Qom: Dar al-Hadith. (In Persian)
- Qummī, Qāḍī Sa‘īd (n.d.), *Sharḥ tawḥīd al-Ṣadūq*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Arabic)
- Rāghib al-Iṣfahānī, al-Ḥusayn Ibn Muḥammad (1427H), *Mufradāt alfāẓ al-Qur‘ān*, Qom: Maktabat Dhawī al-Qurbā. (In Arabic)



- Sabzawārī, Mullā Hādī (1377H), *Sharḥ Mathnawī*, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Pub. (In Arabic)
- Sabzawārī, Mullā Hādī (1383H), *Asrār al-ḥikam*, Qom: (n.d). (In Arabic)
- Ṣadr al-Muta'allihīn, Muḥammad Ibn Ibrāhīm (1366H), *Sharḥ uṣūl al-Kāfī*, Tehran: (n.d). (In Arabic)
- Ṣadr al-Muta'allihīn, Muḥammad Ibn Ibrāhīm (1422H), *al-Mabda' wa al-ma'ād*, ed. Jalāl al-Dīn al-Āshṭiyānī, Markaz al-I'lām al-Islāmī. (In Arabic)
- Ṣadūq, Muḥammad Ibn 'Alī (1385H), *Ilal al-sharā'i*, ed. Muḥammad Ṣādiq Baḥr al-'Ulūm, Najaf: Manshūrāt al-Maktaba al-Ḥaydariyya. (In Arabic)
- Ṣadūq, Muḥammad Ibn 'Alī (1417H), *al-Amālī*, Qom: Mu'assasat al-Ba'tha. (In Arabic)
- Ṣadūq, Muḥammad Ibn 'Alī (n.d.), *al-Tawḥīd*, ed. Hāshim al-Ḥusaynī al-Ṭīhrānī, Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī. (In Arabic)
- Ṣadūq, Muḥammad Ibn 'Alī (n.d.), *Kamāl al-dīn wa tamām al-ni'ma*, ed. 'Alī Akbar Ghaffārī, Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī. (In Arabic)
- Sayyid al-Murtaḍā, 'Alī Ibn al-Ḥusayn (1325H), *al-Amālī*, ed. Muḥammad Badr al-Dīn al-Na'sānī al-Ḥalabī, Qom: Manshūrāt Maktabat Āyat Allāh al-Mar'ashī al-Najafī. (In Arabic)
- Sayyid al-Murtaḍā, 'Alī Ibn al-Ḥusayn (1409H), *Tanzīh al-anbiyā'*, Beirut: Dār al-Aḍwā'. (In Arabic)
- Sayyid al-Raḍī, Muḥammad Ibn al-Ḥusayn (n.d.), *al-Majāzāt al-nabawiyya*, ed. Ṭāhā Muḥammad al-Zaytī, Qom: Manshūrāt Maktabat Baṣīratī. (In Arabic)
- Shobbar, Sayyid 'Abd Allāh (1432H), *Maṣābīḥ al-anwār*, Qom: Mu'assasat Dār al-Ḥadīth al-'Ilmiyya wa al-Thaqāfiyya. (In Arabic)
- Subḥānī, Ja'far (1419H), *al-Ḥadīth al-nabawī bayn al-riwāya wa al-dirāya*, Qom: Mu'assasat al-Imām al-Ṣādiq (PBUH). (In Arabic)
- Ṭabarānī, Sulaymān Ibn Aḥmad (1405H), *Musnad al-Shāmiyyīn*, ed. Ḥamdī Ibn 'Abd al-Majīd al-Salafī, Beirut: Mu'assasat al-Risāla. (In Arabic)
- Ṭabarānī, Sulaymān Ibn Aḥmad (n.d.), *al-Mu'jam al-kabīr*, ed. Ḥamdī 'Abd al-Majīd al-Salafī, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Ṭabarī, Muḥammad Ibn Jarīr (1412H), *Jāmi' al-bayān fī tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Ma'rifa. (In Arabic)
- Ṭabāṭabā'i, Sayyid Muḥammad Ḥusayn (1417H), *al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān*, Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Ṭanṭāwī, Sayyid Muḥammad (n.d.), *al-Tafsīr al-wasīṭ li-l-Qur'ān al-karīm*, [place not identified]. (In Arabic)
- Tha'labī, Aḥmad Ibn Muḥammad (1422H), *al-Kashf wa al-bayān 'an tafsīr al-Qur'ān (Tafsīr al-Tha'labī)*, Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. (In Arabic)
- Tirmidhī, Muḥammad Ibn 'Īsā (1403H), *Sunan al-Tirmidhī*, ed. 'Abd al-Raḥmān Muḥammad 'Uthmān, Beirut: Dār al-Fikr. (In Arabic)
- Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn (1362H), *Majma' al-baḥrayn*, Tehran: Ṭarāwat. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad Ibn al-Ḥasan (1411H), *al-Ghayba*, Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmiyya. (In Arabic)
- Ṭūsī, Muḥammad Ibn al-Ḥasan (1411H), *Miṣbāḥ al-mutahajjid wa silāḥ al-muta'abbid*, Beirut: (n.d). (In Arabic)